



سخنی را که در سر آغاز این سلسله مقالات در شماره گذشته آمد، میتوان اینگونه تلخیص و تکرار نمود:  
 هدف ما از آشنائی بیشتر با زندگی استادان موسیقی چیزی نیست جز بزرگداشت آنان. آنان که ثمر رسانیده‌اند بی آنکه از ارج مردمان، بهره‌ای درخور برده باشند.  
 .... و دومین آنها «تانیاهارا طیان» است.

تانیاهارا طیان بسال ۱۸۹۸ میلادی در یک خانواده هنرمند در روسیه چشم بدنیا گشود. پدر و مادر وی از همان سنین کودکی، بارقه‌ای در وجود

فرزند خود یافتند؛ بارقه‌ی شوق، شوق به موسیقی؛ و بخردانه دانستند که باید از این کشف و دریافت، به سود تانیا نتیجه بگیرند. تانیا که در این اوان ۶ سال بیش نداشت، در محضر استاد مشهور روس «یلنا گسینا» به شاگردی نشست. «یلنا» که در یک مدرسه کوچک ملی تدریس می نمود با دقت تمام استعداد بارور تانیا را زیر نظر گرفت و به برانگیختنش پرداخت. لیکن پس از مدتی خانواده تانیا بعللی به تفلیس روانه شدند و در آن دیار رحل اقامت افکندند.

تانیا در کنسرواتوار تفلیس بکار و تمرین ادامه داد و در آخر، پس از هشت سال تلاش بسن ۲۱ سالگی دوره پیانورا با تمام رساند. استاد وی در کنسرواتوار تفلیس، پیانیست مشهور زمان «وینو-گرادوف» بود.

وینو-گرادوف هم اکنون با مقام استادی در کنسرواتوار مسکو تدریس میکند.

باروری و شکفتگی استعداد تانیا، با آغاز و ادامه جنگ جهانی اول



در کنسرواتوار تفلیس ( با علامت X ) با دوستانش و استادش « وینو-گرادوف »



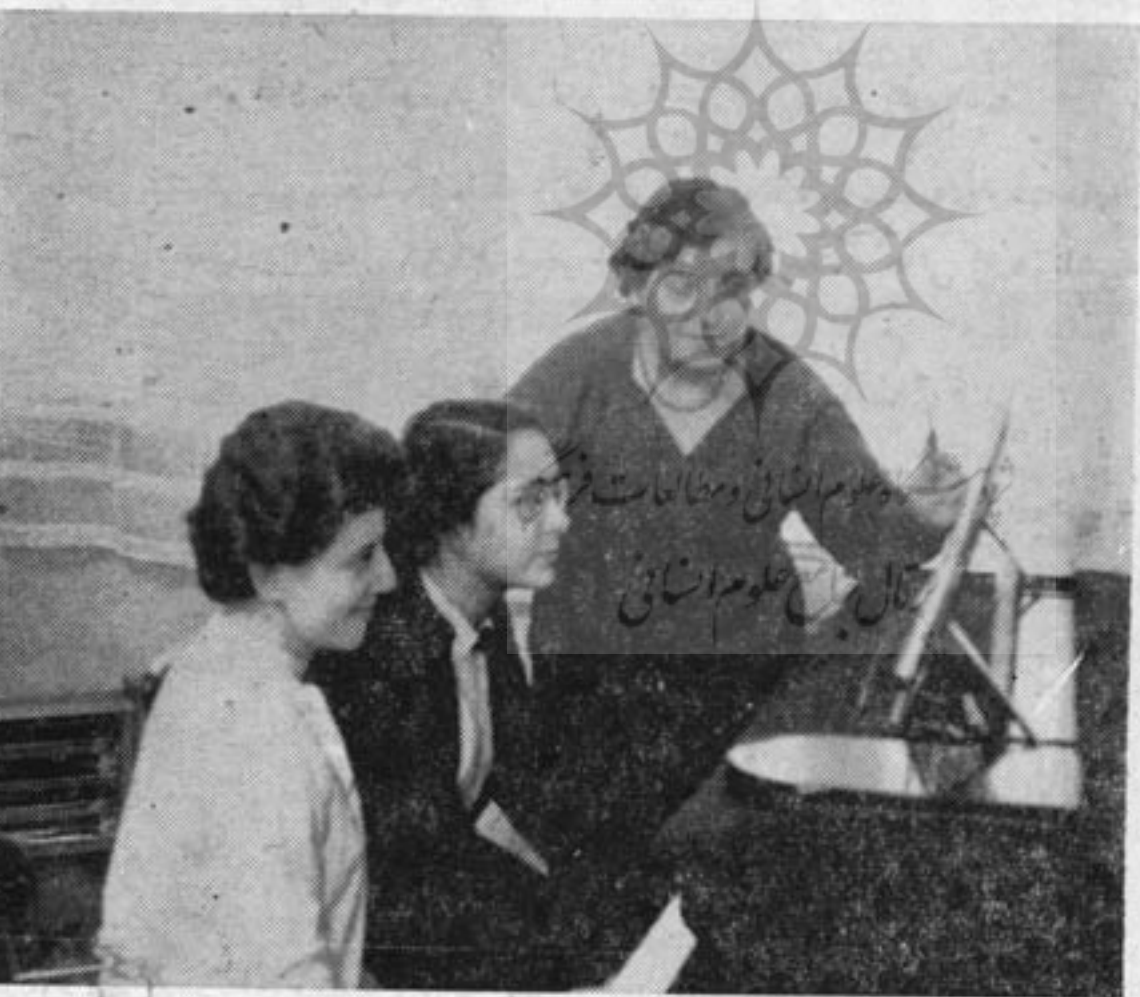
در هنرستان عالی موسیقی؛ در زمان سرپرستی « رویك گریگوریان »

مقارن شد، جنگ - همانگونه که در همه وقت و در همه جا - همه‌ی رشته‌ها را کسبخت، تانیا نیز بسال ۱۹۱۹ بسبب اغتشاشات و آشفتگی‌هایی که هم‌ناشی از جنگ و هم نتیجه تغییر رژیم داخلی بود، از تفلیس به پاریس رهسپار شد. با آنکه گواهینامه رسمی پایان دوره تحصیلی بیانو، بامضای کنسرواتوار تفلیس به تانیا اعطا شده بود، ولی بیکرانی دریای موسیقی آنچنان بدو رخ نموده بود که در پاریس به همکاری و در عین حال استفاضه‌ی از محضر « فیلیپ » درآمد. در آن زمان دو پیانیست در پاریس شهرت عام داشتند: « لازار لهوی » و « فیلیپ ». تانیا سه سال در پاریس به تکمیل کار پیانوی خود پرداخت.

ناگفته نماند که تانیا، در حین تحصیل در تفلیس کنسرها‌ی فراوانی نیز ترتیب میداد و هر بار بیش‌از پیش با استقبال و شور و شوق هنردوستان مواجه میشد. در پاریس نیز ترتیب کنسر مشترک وی با « فیلیپ » داده شده بود ولی حادثه‌ای مجدداً وی را با جبار به روسیه کشانید. خواهرش بسختی بیمار بود و دیدار وی لازم مینمود...

در روسیه، تانیا بامردی ایرانی مواجه شد و این مواجهه زندگی جدیدی را برای وی بنیان نهاد. دکتر «خاراطیان» در آن هنگام در کنسولگری ایران در باطوم، ادای وظیفه مینمود. عشقی درگیر شد و به نمر نشست. تانیا با ازدواج دکتر خاراطیان درآمد. این عشق و ازدواج نه تنها تانیا را بامردی ایرانی آشنا ساخت، بلکه وی را بایران کشانید. سرزمینی به تانیا خاراطیان شناسانده شد که مدتی بعد، مقام «استاد موسیقی» اش را بدست آورد. مقامات دولتی روسیه، آنها را در گزینش یکی از دو سرزمین برای زیستشان مخیر کرده بودند و آنها نیز ایران را برگزیدند.

تانیا و شوهرش، در ۱۹۲۹ - سی و سه سال پیش - به تهران وارد شدند. در آن زمان هنرستانی - بدان سان که در حال حاضر - وجود نداشت و تانیا به تدریس خصوصی پرداخت...



پادو شاکرد برجسته اش : « هاله آب » و « افلیا کمباجیان »



در هیئت ممتحنه هنرستان در زمان سرپرستی « پرویز محمود »

در ۱۹۳۴، درست پنج سال پس از عزیمت بایران، کار اساسی تانیا خاراطیان آغاز شد. در آن هنگام مین باشیان، سرپرستی هنرستان عالی موسیقی را بعهدہ داشت و تانیا، باوجود عدم رضایت همسرش، با ۷۰۰ ریال حقوق ماهیانه بااستخدام قراردادی دولت درآمد. پس از مین باشیان، علینقی وزیر استاد فعلی دانشگاه تهران به ریاست هنرستان برگزیده شد و این ایام با بیماری شدید و نیازمند بیک عمل جراحی تانیا، مقارن شد ... وی به سلامت خود پرداخت و قراردادش باهنرستان نیز - در نتیجه - معوق و معطل ماند.

پس از ۵ سال کناره گیری از کار دولتی بهنگام ریاست پرویز محمود مجدداً بکار تعلیم در هنرستان گمارده شد. و از آن سال ( ۱۳۲۵ خورشیدی ) تا کنون صادقانه به تعلیم هنرجویان هنرستان عالی موسیقی پرداخته است. یکبار بسال ۱۳۳۶ خورشیدی به عضویت شورای فنی هنرستان - برای مدت دو سال - برگزیده گردید.

یکی از خاطرات زنده تانیا خاراطیان - که خود میتواند مؤید و گویای تلاشهای بیدریغ وی در راه گسترش موسیقی علمی باشد - کنسرهائی است که در آخر هر سال در تهران و در «کالج» برپا میکرد. در این کنسرها

ممتازترین شاگردان خصوصی وی، بروی صحنه میآمدند و قطععاتی را که روی آن کار کرده بودند مینواختند. تانیا با برگزاری این «اودیسیون» ها علاوه بر آنکه در محیط هنری عطش زده و خشک آن زمان، ثمره کوششهای فراوان خود و استادی و تعلیمش را می نمایانید، بدین وسیله شخصیت شاگردان خود - فرزندان پر حجب و حیای این سرزمین! - را نیرومند میساخت و امیدی بآینده درخشان در آنها می دمید.

تانیا خارا طیان تا کنون شاگردان فراوانی را بشمر رسانیده است. یکی از شاگردان وی خانم «آیانس» هم اینک خود در هنرستان عالی موسیقی تدریس میکند و دوتن از شاگردان بسیار ممتاز وی که تاچندی پیش در تهران نیز رسیتهائی برپا میداشتند هم اکنون در فرانسه و آلمان به تکمیل کار



در ابتدای تدریس در هنرستان؛ در زمان سرپرستی «میرن پاشیان»

خود اشتغال دارند و خوانندگان ارجمند مجله موسیقی گهگاه شرح رسیتال های موفقیت آمیزی را که آنان در دیار دیگران ترتیب داده اند، در صفحه اخبار و اطلاعات، میخوانند: «افلیا کیمباجیان» که ۹ سال تمام از کلاس خاراطیان بهره برداشته، هم اکنون خبر میرسد که در پاریس در یک مسابقه پیانو حائز رتبه اول شده و تحصیلات عالی اش در دانشسرای موسیقی پاریس در شرف اتمام میباشد. «هاله آلپ» که در آلمان به تکمیل کار پیانو اشتغال دارد نیز ۸ سال از تعالیم خاراطیان فیض برده است. وی بصورتی مداوم در کنسرت های عمومی شرکت میجوید و همواره ناقدان، از وی بعنوان هنرجویی بسیار مستعد و پیش رفته، یاد میکنند... و اینان بیشک موفقیت های شان را مدیون تعالیم استاد خود هستند.



تانیا خاراطیان در مقام بیان علل عدم پیشروی هنرجویان بصورتی درخشان تر، اعتقاد دارد که: «شاگردان غالباً کوتاه فکرند. بعضی شان خارج رفته اند و هنرمندان بزرگ را دیده اند. برخی دیگر در ایران در رسیتال آنان شرکت جسته اند و دریافت شان آن بوده است که در ابتدای کار باید به سلاست آنها بنوازند! و این منطق را نمی پذیرند که هنرمندان مورد تحسین آنها اگر همانند اینان میان پیشیندند هرگز پنجه های شان روی کلاویه های پیانو نمی نشست!

پیشروی در هنر، زمان و پشتکار میخواهد. آنکس که داعیه بیانست شدن دارد، باید دست کم روزی ۶ تا ۸ ساعت کار کند، نه آنکه درسی بگیرد و آنرا تاجاسه بعدی درس به فراموشی سپارد!»  
و در مقام انتخاب یکی دو بیانست و معلم مبرز و متبحر دو نام از زبان وی بگوش خورد: گیتی امیر خسروی و امانوئل ملک اصلانیان.



تانیا خاراطیان، استاد ۶۴ ساله پیانو در هنرستان عالی موسیقی، زبان از گفتگو می بندد و زندگی خلاصه شده اش را روی چند برگ کاغذ بما می سپارد. ما نیز آنرا بشما می نمایانیم تا بدانید در ببحوحه این آشفستگی هنری - که عرصه را به دست افشانی بی مایگان و به روایتی «پر مایگان» تخصیص داده است - بوده اند و هستند هنرمندانی که پرتو هنر و صداقتشان، در ظلمت راه آینده بکار آمده است!

م. خوشنام